



بررسی شیوع انواع همسر آزاری در مناطق شهری و روستایی شهرستان دلفان

علی اکبر پور صحبت آبادی: کارشناس ارشد آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، ایران
رضا شم آبادی: دانشجوی دکتری روان شناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (* نویسنده مسئول) rshamabadi@mail.um.ac.ir
فروغ صفری: کارشناس روانشناسی، کارمند بهزیستی شهرستان دلفان، لرستان، ایران
زهرا سادات خورشید عرب: کارشناس علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

چکیده

کلیدواژه‌ها

شهرستان دلفان،
پرسشنامه حاج یحیی،
همسر آزاری

زمینه و هدف: خشونت علیه زنان یکی از مسائل و معضله‌ها در سراسر دنیا است و شایع‌ترین نوع آن خشونت خانگی است. امروزه همسر آزاری به عنوان یکی از انواع اصلی خشونت علیه زنان در اولویت این مطالعات است. در این مطالعه به بررسی شیوع همسر آزاری در مناطق شهری و روستایی شهرستان دلفان پرداخته شده است.

روش کار: در این مطالعه تعداد ۶۹ نفر از زنان متاهل ساکن مناطق شهری و روستایی دلفان لرستان که حداقل یک سال از ازدواج آن‌ها می‌گذشت به صورت نمونه‌گیری در دسترس از پزشکی قانونی، اورژانس اجتماعی، بهزیستی و دادگاه خانواده انتخاب شدند. بعد از گرفتن رضایت آگاهانه پرسشنامه حاج یحیی را به کمک پژوهشگران تکمیل کردند. بررسی و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمارهای توصیفی و IBM SPSS v24 انجام گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که فراوانی، میانگین، درصد و انحراف معیار ۱۹، ۲/۶۹، ۲۶ و ۰/۱۹۲ دارای بالاترین میانگین (شیوع) در بین ابعاد بررسی شده در سطح شهرستان است و آزار و اذیت بعد مالی نیز به ترتیب با فراوانی، میانگین، درصد و انحراف معیار ۱۵، ۲/۴۰، ۲۴ و ۰/۳۶۳ کمترین میانگین (شیوع) را داشته است همچنین، در این پژوهش همسر آزاری روانی به ترتیب با فراوانی، میانگین، درصد و انحراف معیار ۱۸، ۲/۵۸، ۲۵/۵ و ۰/۱۰۸ و همسر آزاری فیزیکی به ترتیب با فراوانی، میانگین، درصد و انحراف معیار ۱۷، ۲/۵۲، ۲۴/۵ و ۰/۱۳۲ گزارش شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان‌دهنده شیوع نسبتاً بالا ابعاد همسر آزاری در شهرستان دلفان بین شهرستان‌های دیگر استان است که لزوم توجه به این موضوع در سطح این شهرستان احساس می‌شود. این نتایج می‌تواند به ما کمک کند که مطالعات اختصاصی‌تری در زمینه عوامل مختلف همسر آزاری در سطح شهرستان‌ها انجام دهیم.

تعارض منافع: گزارش نشده است.

منبع حمایت کننده: حامی مالی نداشته است.

شیوه استناد به این مقاله:

Akbarpour Sohbatbadi A, Shamabadi R, Safary F, Khorshidarab ZS. Prevalence of spouse abuse in urban and rural areas of Delphan. Razi J Med Sci. 2021;28(1):47-54.

*انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC-SA 3.0 صورت گرفته است.



Original Article

Prevalence of spouse abuse in urban and rural areas of Delphan

Ali akbarpour Sohbatbadi: Master of Biostatistics, University of Medical Sciences, Arak, Iran

Reza Shamabadi: PhD student in Educational Psychology, Ferdowsi University, Mashhad, Iran (* Corresponding author)
rshamabadi@mail.um.ac.ir

Forogh Safary: Bachelor of Psychology, Welfare employee, Delfan, Lorestan, Iran

Zahra Sadat Khorshidarab: Bachelor of Educational Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran

Abstract

Background & Aims: Violence against women is one of the worldwide issues, the most common type of this issue is domestic violence; Domestic violence or violence by a close partner is violence perpetrated by a partner against women. According to the World Health Organization (WHO), any act of husband against his spouse that results in emotional, psychological, physical, or sexual harm to her or may result in, affecting her health, covertly or overtly is called spouse abuse. Spouse abuse with this modern definitions includes four types of abuse: physically, sexually, psychologically and financially and is not a new phenomenon that has just emerged in modern times, women have been physically, mentally, sexually and financially abused throughout the history and spouse abuse has existed since the formation of the family in traditional societies. Despite a long history of spousal abuse, this phenomenon, like other social maltreats, seems to have been neglected for a long time until now in modern times due to the influence of The widespread participation of women in the First and Second World Wars, the increase in women's self-awareness and the efforts of humanitarian associations and institutions have led to an increase in public awareness of the abuses committed against women. To guide the construct of the family towards equal rights, and humanitarian construct, emphasizing the role of preventing spousal abuse in the mental and moral health of society, have made a redoubled effort to establish equal rights for men and women. As a subject of this study, spouse abuse is one of the main types of violence against women and aim of this study is estimating the prevalence of spouse abuse in urban and rural areas of Delphan, Lorestan province, Iran.

Methods: In this study 69 married women aged 15-48 living in urban and rural areas of Nourabad city of Delphan, Lorestan province who had married at least for one year and have been referred to Nurabad Forensic Medicine Organization, Delfan Social Welfare Emergency Center and Family Court due to physical injury and violence by their spouse, have participated. They have been selected through the available sampling method from forensic, social emergency, welfare and family court. After explaining and obtaining informed consent, the confidentiality of information was explained to all participants in the study and after that, they have completed the Haj Yahya questionnaire, if the participants are illiterate, the forms have been read and completed by the researcher and entered into the study after completing the personal consent. Data have been analyzed using descriptive statistics and by IBM SPSS v24.

Results: Results show that the sexual abuse with the frequency, mean, percentage and standard deviation respectively equal to 19, 2.69, 26 and 0.192 has the highest

Keywords

Delfan County,
Haj Yahya
Questionnaire,
Abuse Wife

Received: 01/12/2020

Published: 07/04/2021

average among the dimensions that have been assessed, at the county level. Financial abuse with frequency, mean, percentage and standard deviation respectively equal to 15, 2.40, 24 and 0.362 has the lowest average and psychological abuse with the frequency, mean, percentage and standard deviation respectively equal to 18, 2.58, 25.5 and 0.108 and physical abuse with frequency, mean, percentage and standard deviation respectively equal to 17, 2.52, 24.5 and 0.132 are other dimensions of the abuse that have been studied.

Conclusion: According to the results prevalence of spouse abuse relatively high in all dimensions, especially in Delphan, thus the need to pay attention to this issue at the county level has been felt. These results can help conduct more specific studies on the different factors of spouse abuse in the counties, the results of this research can be studied and analyzed in two different ways; From the perspective of modern societies, It is based on the teachings of the modern family the results indicate spousal abuse in Delfan city and need serious attention and education because this view considers men and women completely independent of each other who live together under a contract called marriage and this contract may end at any time. From another perspective, which is based on the religious and traditional teachings of Muslims and Iranians, the results are considered very desirable because, in this perspective, men and women are considered interdependent. In this perspective, the woman has given up some of her husband's abuse and may tolerate some of her husband's abuse. Now, according to the two types of perspectives that were proposed, the analysis of spousal abuse from the perspective of each of these two approaches will be different and distinct; The first approach condemns spousal abuse, and the second approach considers spousal abuse to be somewhat acceptable and originates from the status of women and The man evaluates in the family. By combining the above two views, we can reach an average view and attitude about spousal abuse.

Conflicts of interest: None

Funding: None

Cite this article as:

Akbarpour Sohbatbadi A, Shamabadi R, Safary F, Khorshidarab ZS. Prevalence of spouse abuse in urban and rural areas of Delphan. Razi J Med Sci. 2021;28(1):47-54.

***This work is published under CC BY-NC-SA 3.0 licence.**

مقدمه

طول زندگی مشترک خود از سوی همسر قرار گرفته‌اند و این آمار در کشورهای درحال توسعه به‌طور میانگین در دامنه‌ای از ۱۸ تا ۶۷ درصد قرار دارد؛ مثلاً در آمریکا ۸ تا ۱۲ میلیون زن سالانه در معرض خشونت قرار می‌گیرند و ۱/۸ میلیون زن توسط شوهران خود مضروب می‌شوند (۶). نرخ همسر آزاری در ایران در طیفی از ۳۰ تا ۸۰ درصد برآورد شده است (۷). یکی از ویژگی‌های همسر آزاری در کشورهایی مثل ایران آن است که این آزار رفتاری مجاز تلقی می‌شود زیرا نهی اجتماعی خاصی در مورد رفتار خشن اعضای خانواده نسبت به یکدیگر وجود ندارد و بیشتر اوقات این رفتارها در مقوله تربیتی قرار می‌گیرند. با این اوصاف باینکه پدیده همسر آزاری در ایران کاملاً هویدا است (۵) اما چون به محیط خصوصی خانواده محدود نبوده و در کل جامعه بدون آنکه دیگران در آن مداخله کنند، رخ می‌دهد، پیامدهای چندانی برای افراد همسر آزار در پی ندارد. وجود چنین فرهنگی باعث می‌شود که سازمان‌های نظارتی، نه نظارت خاصی بر این رفتار داشته باشند و نه بتوانند ضرورت حمایت‌های ویژه از قربانی همسر آزاری را مدنظر قرار دهند. به نظر می‌رسد توجه به پدیده همسر آزاری تنها با تلفیق تمامی نگرش‌های موجود از راه حذف نقاط ضعف و تأکید بر نقاط قوت امکان‌پذیر است و هرگونه توجه تک‌بعدی در این زمینه قرین موفقیت نخواهد بود. در این پژوهش رویکرد تلفیق تمامی تئوری‌هایی که به‌گونه‌ای از انحاء در تبیین همسر آزاری نقش دارند، اتخاذ شده است و از آنجاکه تاکنون پژوهشی در این زمینه در شهرستان دلفان انجام نگرفته است. در این مطالعه درصد این بوده‌ایم که شیوع وضعیت انواع همسر آزاری‌ها در شهرستان دلفان را بررسی کنیم.

روش کار

جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت است از تمامی زنان متأهل ۱۵-۴۸ ساله ساکن در مناطق شهری و روستایی شهرستان نورآباد لرستان بود که دستکم یک سال از ازدواج آن می‌گذشت که به دلیل صدمه و خشونت فیزیکی به دست همسر، به سازمان پزشکی قانونی نورآباد، مرکز اورژانس اجتماعی بهزیستی شهرستان دلفان و دادگاه خانواده مراجعه کرده بودند. از

باوجود تمام پیشرفت‌های بشر، کماکان خشونت علیه زنان یک معضل اجتماعی در همه کشورها است (۱). در این میان خشونت خانگی شایع‌ترین شکل خشونت علیه زنان است (۲) خشونت خانگی یا خشونت توسط شریک نزدیک (Partner Violence Intimate) در واقع خشونت اعمال‌شده توسط شریک زندگی است که علیه زنان صورت می‌گیرد. طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی (WHO) هرگونه عمل خشونت‌آمیز شوهر علیه زن که منجر به صدمه عاطفی روانی، جسمی یا جنسی در وی شده یا احتمال تأثیر بر سلامت او به‌صورت پنهان یا آشکار را داشته باشد همسر آزاری نامیده می‌شود. اعمال خشونت‌آمیز می‌توانند دربرگیرنده‌ی انواع مختلف آزارهای کلامی، روانی، عاطفی، اقتصادی، جسمی، جنسی و حتی مرگ باشند (۳، ۴). همسر آزاری با تعاریف امروزی که شامل چهار نوع همسر آزاری؛ جسمی، جنسی، روانی و مالی علیه زنان است، پدیده نوینی نیست که به‌تازگی در دوران مدرن به وجود آمده باشد بلکه از همان زمان تشکیل خانواده در جوامع سنتی به‌گونه‌ای بارز وجود داشته و زنان در طول تاریخ مورد استثمار جسمی، روانی، جنسی و مالی قرار گرفته‌اند با وجود سابقه بسیار همسر آزاری به نظر می‌رسد این پدیده همچون سایر آسیب‌های اجتماعی مدت‌زمان زیادی مورد غفلت قرار گرفته بود، اما در دوران مدرن در اثر تأثیر عواملی همچون؛ مشارکت گسترده زنان در جنگ‌های جهانی اول و دوم، افزایش خودآگاهی زنان و تلاش انجمن‌ها و نهادهای بشردوستانه منجر به افزایش آگاهی عمومی جامعه نسبت به تعدی‌های انجام‌گرفته به زنان شده است که در نتیجه این آگاهی و تلاش‌ها زنان در پی ایفای حقوق ازدست‌رفته خود برآمده‌اند و تلاش کرده‌اند تا نهاد خانواده را به سمت تساوی حقوقی هدایت کنند و نهادهای بشردوستانه با برجسته نمودن نقش جلوگیری از همسر آزاری در سلامت روحی و اخلاقی جامعه تلاشی دوچندان در راستای برقراری تساوی حقوقی زنان و مردان انجام داده‌اند (۵). یافته‌های پژوهشی گسترده در سطح جهانی نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه‌یافته، حدود ۲۸ درصد زنان ابراز می‌کنند دست‌کم یک‌بار مورد همسر آزاری جسمی در

درصد ۱۵، ۲/۴۰، ۲۴ و ۰/۳۶۲ کمترین میانگین (شیوع) را داشته است همچنین، در این پژوهش همسر آزاری روانی به ترتیب با فراوانی، میانگین، درصد و انحراف معیار ۱۸، ۲/۵۸، ۲۵/۵ و ۰/۱۰۸ و همسر آزاری فیزیکی به ترتیب با فراوانی، میانگین، درصد و انحراف معیار ۱۸۱۸، ۲/۵۲، ۲۴/۵ و ۰/۱۳۲ گزارش شده است.

بحث

بر اساس مطالعات به نظر می‌رسد که خشونت علیه زنان به‌عنوان یکی از علل مرگ‌ومیر در تمام جوامع وجود دارد ولی میزان شیوع آن در جهان متفاوت است (۹). با این‌وجود بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر تفاوت چشم‌گیری با نتایج دیگر مطالعات در ایران و جهان به چشم نمی‌خورد. به‌طور مثال در مطالعه نایر و همکاران خشونت همسر بین ۲۰ تا ۲۲ درصد گزارش ده است که به نتایج مطالعه حاضر نزدیک است (۱۰). در مطالعه حاضر میزان خشونت روانی ۲۵/۵ درصد گزارش شده است که تفاوت چشم‌گیری با مطالعه طالب پور نداشته است (۱۱). مطالعات مبتنی بر جوامع در دسترس بیانگر آن است که میزان شیوع خشونت روانی ۲۳ بین ۷۲ درصد است. به‌عنوان مثال در مطالعه النیمر و همکاران وقتی خشونت روانی با خشونت فیزیکی همراه می‌شود نرخ آن به ۵۹/۱ درصد می‌رسد (۱۲). در مطالعه بابو و همکاران که بر روی جمعیت زنان غرب هند انجام شده است، شیوع آزار روانی بیش از آزار جسمی بوده است که با مطالعه حاضر همخوانی دارد (۱۳). شایع‌ترین خشونت جنسی ابراز‌شده در این مطالعه، توقع از زن برای آمادگی جهت ارضای مردان و بدون رضایت زن بوده است. این در حالی است در متون اسلامی برای مسائل جنسی وظایفی برای زن و مرد مطرح‌شده است مانند احساسات، درک متقابل نیازها،

این تعداد یک نمونه ۶۹ نفره معرف با استفاده از نمونه‌گیری آسان انتخاب شد. برای کلیه افراد شرکت‌کننده در مطالعه در خصوص محرمانه بودن اطلاعات توضیح داده شد. در صورتی‌که افراد شرکت‌کننده سواد نداشته باشند، فرم‌ها توسط پژوهشگر به‌طور کامل قرائت و تکمیل‌شده و پس از تکمیل رضایت‌نامه کتبی و شخصی وارد مطالعه شدند. ابزار سنجش و اندازه‌گیری پژوهش شامل پرسشنامه؛ متشکل از پرسشنامه استاندارد (حاجی یحیی) که در سال ۲۰۰۰ میلادی در کشور فلسطین مورد استفاده قرار گرفته بود. پرسش‌نامه شامل پنج عامل که عامل اول که شامل ماده‌های ۱ تا ۱۶ است خشونت روانی را می‌سنجد، عامل دوم که شامل ماده‌های ۱۷ تا ۲۷ است خشونت فیزیکی را می‌سنجد، عامل سوم که شامل ماده‌های ۲۸ تا ۳۰ است خشونت جنسی و عامل چهارم که شامل ماده‌های ۳۱ و ۳۲ است خشونت اقتصادی را می‌سنجد. امتیازدهی به سؤالات بر اساس طیف لیکرت ۳ گزینه‌ای بوده (دو بار یا بیشتر=۳، یک‌بار=۲، هرگز=۱) که به‌صورت خود اظهاری توسط نمونه‌ها تکمیل می‌شود بدین ترتیب نمره هر خرده مقیاس حداقل ۳۲ و حداکثر ۹۶ خواهد بود. اعتبار پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ در مطالعه‌ای ۰/۹۷ به دست آمده است (۸).

یافته‌ها

همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد یافته بیانگر این است که ابعاد همسر آزاری از میان ۶۹ نفر بعد آزار جنسی به ترتیب با فراوانی، میانگین، درصد و انحراف معیار ۱۹، ۲/۶۹، ۲۶ و ۰/۱۹۳ دارای بالاترین میانگین (شیوع) در بین ابعاد بررسی‌شده در سطح شهرستان است و آزار و اذیت بعد مالی نیز به ترتیب با میانگین و

جدول ۱- بررسی شیوع انواع همسرآزاری (گروه نمونه N=۶۹)

آماره	متغیر	بعد روانی	بعد جنسی	بعد مالی	بعد فیزیکی
تعداد کل	۶۹	۶۹	۶۹	۶۹	۶۹
فراوانی ابعاد شیوع	۱۸	۱۹	۱۵	۱۷	۱۷
درصد ابعاد شیوع	۲۵/۵	۲۶	۲۴	۲۴/۵	۲۴/۵
میانگین ابعاد شیوع	۲/۵۸	۲/۶۹	۲/۴۰	۲/۵۲	۲/۵۲
انحراف معیار ابعاد شیوع	۰/۱۰۸	۰/۱۹۳	۰/۳۶۲	۰/۱۳۲	۰/۱۳۲

در بعد مالی در این مقاله ۲۴ درصد گزارش شده که کمترین میزان را در بین سایر ابعاد داشته است. که با نتیجه مطالعه طالب پور مطابقت ندارد (۱۰). دلیل اختلاف فوق می‌تواند سطح درآمد، نحوه زندگی، فرهنگ زندگی مختلف و توقع افراد در جامعه‌های مختلف باشد. با ورود انسان به دوران مدرن نهاد خانواده در تمامی جوامع دستخوش دگرگونی‌هایی شده است که منجر به تغییر کارکرد خانواده و همچنین، کارکرد زن و مرد در این نهاد اساسی اجتماعی شده است از جمله این تحولات و دگرگونی‌ها می‌توان به تأکید بسیار بر تک‌همسری، شاغل شدن زنان در خارج از خانه، شانه خالی کردن زنان از مسئولیت صرف نگهداری فرزندان، عدم فرمان‌برداری صرف زنان از مردان و در یک کلام عریان شدن تعارضات خانوادگی اشاره کرد که منجر به درک روزافزون پدیده همسرآزاری شده است.

نتیجه‌گیری

همسرآزاری با تعاریف امروزی که شامل چهار نوع خشونت جسمی، جنسی، روانی و مالی علیه زنان می‌باشد، پدیده‌های نوین نیست که به تازگی در دوران مدرن بوجود آمده باشد بلکه از همان زمان تشکیل خانواده در جوامع سنتی به گونه‌ای بارز وجود داشت، اما افزایش خودآگاهی زنان منجر به افزایش آگاهی آنان از تعدی‌های انجام گرفته به خود شده است که در نتیجه این آگاهی زنان در پی ایفای حقوق از دست رفته خود برآمده‌اند و تلاش کرده‌اند تا نهاد خانواده را به سمت تساوی حقوقی هدایت کنند. به نظر می‌رسد در میان علل گوناگون همسرآزاری، این پدیده ریشه در دو پدیده فرهنگی؛ مردسالاری و عدم استقلال مالی زنان دارد و تا زمانی که مردسالاری به نفع تساوی حقوقی در خانواده حل نشود و تا زمانی که زنان از توانمندی‌های لازم به منظور کسب استقلال مالی برخوردار نشوند، به نظر می‌رسد همچنان همسرآزاری به انحاء گوناگون اعمال خواهد شد. بنابراین، ضروری است هر گونه تلاشی در زمینه کاهش همسرآزاری در دو بعد؛ سست نمودن ریشه‌های مردسالاری در جامعه به نفع تساوی حقوقی زن و مرد از یک سو و ایجاد زیربناهای لازم برای توانمندی زنان بمنظور کسب تمکن مالی از سوی دیگر مبتنی باشد. نکته پایانی در زمینه بررسی همسرآزاری

توجه به ارضای طرفین و رعایت شرایط زمانی و مکانی، لذا در کنار مسئله تمکین زن، بایستی بر وظایف مرد در این حوزه نیز تأکید شود. میزان شیوع همسرآزاری در بعد جنسی در مطالعه حاضر ۲۶ درصد گزارش شده است که با مطالعه طالب پور در حدود ۲۹/۲ درصد گزارش شده است اختلاف چندانی ندارد (۱۰). شیوع همسرآزاری در بعد جسمی یا فیزیکی در این مطالعه ۲۴/۵ درصد گزارش شد که با نتیجه مطالعه قهاری و همکاران که ۳۱/۵ درصد گزارش کردند اختلاف معنی‌داری داشت. در این مطالعه، تهدید همسر با وسایل خطرناک، عدم احترام به احساسات زن و فریاد کشیدن بر سرزن به شایع‌ترین آزارهای روانی گزارش شده است (۱۴) همچنین با مطالعه فرید و همکاران که همسرآزاری فیزیکی را ۱۲/۶ درصد گزارش کرده بودند متفاوت است (۱۵) اما با مطالعه اوموه و همکاران که همسرآزاری فیزیکی را ۱۰/۳ تا ۴۵/۲ درصد مطابقت دارد و در این رنج قرار گرفته است (۱۶) همچنین به مطالعه اوگوم و همکاران و مطالعه کی وان و همکاران که به ترتیب خشونت فیزیکی را ۲۱/۲ و ۲۶ درصد گزارش کرده‌اند بسیار نزدیک است (۱۷، ۱۸) در مطالعه کوکاسیک و دوگان نیز شایع‌ترین نوع خشونت کلامی بوده است (۱۹). از طرف دیگر آزار فیزیکی در حد زیاد، کمتر از بعد روانی ابراز شده است؛ شایع‌ترین نوع آزار نیز سیلی زدن و کتک بوده است. در مطالعه احمد و همکاران همسرآزاری روانی بین ۷/۸ تا ۱۸/۸ درصد گزارش شده است که با مطالعه مطابقت ندارد (۲۰) در مطالعات مختلف خشونت‌های فیزیکی به‌عنوان بارزترین نوع خشونت علیه زنان در دنیا مطرح است (۷). این وضعیت می‌تواند دلایل متفاوتی داشته باشد که به آن‌ها اشاره خواهد شد. اول این‌که آزار فیزیکی نمود ظاهری بیشتری در محاکم و مراکز مشاوره دارد. دوم آنکه اصولاً زنان خشونت فیزیکی را کمتر ابراز می‌کنند. سوم آنکه عموم مردان آزار فیزیکی علیه همسر خود را کاری ناپسند می‌دانند لیکن سایر جنبه‌های آزار به دلایل فرهنگی اجتماعی برایشان مشخص نیست. چهارم آنکه قوانین قضایی در مورد خشونت‌های فیزیکی صراحت بیشتری دارد. شاید به دلایل فوق و همچنین دلایل دیگر، آزار علیه زنان از نوع فیزیکی به انواع روانی سوق داده شده است. خشونت

یاری کردند، سپاس گذاریم.

References

1. Aghakhani K, Aghabigloye A, Chehreye A. Study of Physical Partner Violence Against Women Referred to Tehran Forensic Medicine Center in 2000 autumn. *J Iran Univ Med Sci.* 2002;9(31):485-490. (Persian)
2. Bakhtiari A, Omidbakhah N. Study of Causes & Effects of Violence Against Women Referred to Babol Forensic Medicine Center. *Forens Med J.* 2003;9(31):127-131. (Persian)
3. Dortajrabi S, Shekarabi R, Baniasad M, et al. Prevalence of Partner Violence in Pregnant Women Referred to West of Tehran Medical Care Centers. *J Fac NursMidwif Iran Univ.* 2010;23(65):61-72. (Persian)
4. Bazmi S, Kiani M, Rezvani S, Bazmi E, Naeaji H. Wife abuse and related factors in referred to forensic medical examination subunits of Tehran Legal medicine Organization. *Iran J Med Law.* 2012 Mar 10;6(20):155-65.
5. Ghahari S, Khademolreza N. Spouse Abuse in Iran: Where Are We Today?. *Iran J Psychiatry Clin Psychol.* 2019 Feb 10;24(4):458-62.
6. Salehi S, Hoseinali M. Study of Prevalence and Kind of Home Violence in Pregnant Women Admitted to Shahrekord Medical Care Center in 2003. *J Shahrekord Univ Med Sci.* 2006;8(2):72-77. (Persian)
7. Mohammadkhani P, Mohammadi M R, Rezaei-Dokaheh E, Azadmehr H. Psychopathology, Personal and Relationship Problems in Men Who Enact Family Violence. *J Rehab.* 2007;7(4):6-15. (Persian)
8. Khosravi Z, Khaghanifard M. Spouse annoying sadism with tendency to suicide and feeling of hurting spouse in women of Tehran. *J Womens Stud.* 2005;2(6):99-114. (Persian)
9. Ahmadi B, Naseri S, Mohammadian A. Viewpoint of The Men & Women In Tehran About Home Violence Against Women In Iran, A Qualitative Study. *Sci J School Public Health Institute Public Health Res.* 2008;6(2):67-81. (Persian)
10. Nair S, Satyanarayana V, Desai G. Prevalence and clinical correlates of intimate partner violence (IPV) in women with severe mental illness (SMI). *Asian J Psychiatry.* 2020 Apr 28;10:2131.
11. Talebpour A. Investigating the Types of Spouse Abuse in Urban and Rural Areas of Ardabil Province and its Affecting Factors. *J Women Soc.* 2018; 8(32):55-74. (Persian)
12. El-Nimr NA, Gouda S, Wahdan I. Violence against Women in a Slum Area in Helwan, Cairo, Egypt: A Community Based Survey. *J Res Health*

این است که تفسیر مقدار خشونت و همسرآزاری امری ذووجین است، بنابراین، با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان نتایج این پژوهش را به گونه‌ای متفاوت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد؛ از یک منظر که منطقی مبتنی بر آموزه‌های خانواده مدرن است نتایج این پژوهش نشانگر همسرآزاری در شهرستان دلفان بوده و نیازمند توجه و آموزش جدی است زیرا این نوع نگاه زن و مرد را کاملاً مستقل از همدیگر تلقی میکند که بر اساس قراردادی به نام ازدواج با همدیگر زندگی میکنند و این قرارداد هر زمانی ممکن است پایان یابد. از منظر دیگر که مبتنی بر آموزه‌های دینی و سنتی مسلمانان و ایرانیان است نتایج این پژوهش بسیار مطلوب تلقی می‌شود زیرا در این منظر زن و مرد وابسته به همدیگر تلقی می‌شوند. در این منظر زن تا حدودی از همسرآزاری صرف نظر کرده و ممکن است مقداری از همسرآزاری را تحمل کند. حال با توجه به دو نوع رویکردی که مطرح شدند، تحلیل همسرآزاری از منظر هر کدام از این دو رویکرد بالا متفاوت و متمایز خواهد بود؛ رویکرد نخست همسرآزاری را امری نکوهیده و رقت بار ارزیابی می‌کند و رویکرد دوم همسرآزاری را تا حدودی قابل قبول و نشأت گرفته از جایگاه زن و مرد در خانواده ارزیابی می‌کند. با جمع دو دیدگاه بالا می‌توان به یک دیدگاه و نگرش میانگین درباره همسرآزاری دست یافت که این پژوهش با در نظر گرفتن چنین رویکردی مسئله همسرآزاری و پیشگیری از آنرا مورد بررسی قرار داد.

با توجه به نتایج پژوهش زیر به نظر می‌رسد که در آینده تحقیقاتی در زمینه‌های زیر درباره همسرآزاری در شهرستان دلفان انجام گیرد:

- ۱- بررسی عوامل شیوه‌های مختلف همسرآزاری در سطح شهرستان دلفان
- ۲- بررسی عوامل مذهبی، اعتیاد، درآمد، تحصیلات و ارتباط آن با انواع همسرآزاری در شهرستان دلفان
- ۳- نقش ازدواج فامیلی و سن ازدواج در شیوع نوع همسرآزاری در شهرستان دلفان

تقدیر و تشکر

از بهزیستی، دست‌اندرکاران و کارمندان بهزیستی شهرستان دلفان که ما را در انجام این طرح پژوهشی

13. Sci. 2020 Jan 21;20(1).
14. Babu BV, Kar SK. Domestic violence against women in eastern India: a population-based study on prevalence and related issues. *BMC Public Health*. 2009; Dec;9(1):129.
15. Ghahari SH, Panaghi L, Mohammadi A. Evaluating the mental health of spouse-abused women. *J Gorgan Univ Med Sci*. 2007;8(20):58-63.
16. Farid M, Saleem S, Karim MS, Hatcher J. Spousal abuse during pregnancy in Karachi, Pakistan. *Int J Gynecol Obstetr*. 2008 May;101(2):141-5.
17. Umoh AV, Abah GM, Ugege WE, Inyangetoh EC. Prevalence and Attitude of Women to Spousal Physical Abuse in Pregnancy in a Niger Delta Community of Nigeria. *TAF Prev Med Bullet*. 2012 Nov 1;11(6).
18. Ogum Alangea D, Addo-Lartey AA, Chirwa ED, Sikweyiya Y, Coker-Appiah D, Jewkes R, Adanu RM. Evaluation of the rural response system intervention to prevent violence against women: findings from a community-randomised controlled trial in the Central Region of Ghana. *Glob Health Act*. 2020 Dec 31;13(1):1711336.
19. Kwan J, Sparrow K, Facer-Irwin E, Thandi G, Fear NT, MacManus D. Prevalence of intimate partner violence perpetration among military populations: A systematic review and meta-analysis. *Aggress Violent Behav*. 2020 May 5:101419.
20. Kocacik F, Dogan O. Domestic violence against Women In Sivas, Turkey: Survey Study. *Croatian Med J*. 2006 Oct 16;47(5):742-9.
21. Ahmad F, Ali M, Stewart DE. Spousal-abuse among Canadian immigrant women. *J Immigr Minor Health*. 2005 Oct 1;7(4):239-46.